

- چهارشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۰۲**
- سال سیزدهم ■ شماره ۲۶۶۵**



سپهرغرب، گروه خانواده – فاطمه صنیعی‌وحید؛ یک جامعه‌شناس مطرح کرد؛ برنامه‌های آموزشی منطبق بر بازی نیست؛ یعنی آموزش دروس بخ قالب بازی و شادی ارائه نمی‌شود؛ بنابراین به‌منظور کسب آمادگی دانش‌آموزان برای ورود به مدارس باید بخشی از مدرسه و نظام آموزشی در خدمت شادی و نشاط دانش‌آموزان باشد تا آن‌ها از مدرسه سرزنده باشند.

تایستان اگرچه فصل تعطیلی مدارس است اما همچنان والدین درگیر مسائل مربوط به تحصیل فرزندانشان هستند و بخشی از دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های والدین مربوط به ثبت‌نام فرزندشان، تامین هزینه‌ها، نوع مدرسه، خرید لباس و لوازم‌التحریر، ایاب و ذهاب دانش‌آموز و... می‌شود و هرچقدر به روزهای پایانی شهریور نزدیکتر می‌شویم نگرانی‌ها بیشتر می‌شود البته والدینی هم هستند که صرف پرداخت شهریه مدارس غیر انتفاعی آن‌ها را به این نتیجه می‌رساند که به تمام وظائف خود عمل کرده‌اند اما بیشتر پدر و مادرهای ایرانی از آن گروه هستند که آینده فرزندشان برایشان بیش از تامین هزینه‌ها مهم است شاید اگر یگویم ((تحصیل)) فرزندان یکی از مهمترین دغدغه‌های خانواده‌هاست، سخن گراف نگفته‌ایم. از سوی دیگر، برای بسیاری از فرزندان نیز آغاز سالتحصیلی یکی از نگرانیهاست تا آنجا که اگر فضای مجازی را بررسی کنیم با حجمی از مطالب طنز در این باره مواجه می‌شویم، و این امکان وجود دارد که بچه‌ها به خاطر همین فشارهای خانوادگی و اجتماع دچار انواع مشکلات روان شناختی شوند. نسل خانواده‌ها تغییر پیداکرده، اگر نسل گذشته، نسلی بود که زیر فشار پدر و مادری بود که تحصیلات آن چنانی نداشتند و آرزو داشتند فرزندان‌ی باسواد داشته باشند، نسل امروز والدین، نسلی است که خود تحصیلات دارد و البته اصرار دارد که فرزندانش نیز از کیفیت بالای آموزشی برخوردار باشد.این کیفیت بالای آموزشی البته در بیشتر اوقات معطوف می‌شود به نمره و دانش‌آموزی که نمره بالاتری در مدرسه گرفته باشد، از نظر والدین، فرزندی خوب و شایسته است و دانش‌آموزی که نمی‌تواند نمرات بالایی را کسب کند، فرزندی است که رحمت والدینش را نادیده می‌گیرد. این برچسب‌ها موجب‌شده تا نسل‌ی از دانش‌آموزان با احساس گناه بالا و کمال‌گرا و مضطرب شکل بگیرد که تحت

فشارهای روانی شدیدی در حال تحصیل است. نمونه آن را می‌توان در زندگی روزانه طیفی از دانش‌آموزان دید؛ از استرس و اضطراب شدید صبحگاه همراه با حالت تهوع و تنش گرفته تا بی‌خوابی‌های شبانه و اُفت کارکرد تحصیلی. بنابراین در آستانه بازگشایی مدارس گفت‌وگویی با جامعه‌شناس، دانش‌آموخته رشته عرفان و فعال فرهنگی و یکی از معلمان با سابقه همدانی گفتگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید:
حجت‌الاسلام اسماعیل آذرنژاد، در پاسخ به این سؤال که با توجه به نزدیکی به بازگشایی مدارس، برای آماده‌سازی دانش‌آموزان به‌منظور حضور در کلاس درس چه کاری باید انجام دهیم؟ بیان کرد: نخستین مورد آمادگی پدر و مادر و معلم به لحاظ ذهنی است که باید دانش‌آموز و نیازهایش را بشناسند و طبق نیاز او شیوه تربیتی را اعمال کنند. وی افزود: دانش‌آموزان محور اصلی تعلیم و تربیت هستند و عناصر و ارکان دیگر آموزش و پرورش در خدمت رشد و تربیت آنان است. از این رو ضرورت دارد والدین و کارکنان مدارس از طریق به کار بردن روش‌ها، فنون و ابزار مختلف با ویژگی‌های جسمی، عاطفی، روانی، اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان آشنایی کامل پیدا کنند. این جامعه‌شناس با اشاره به فعالیت‌های فرهنگی خود در زمینه پرورش کودکان و نوجوانان افزود: ابتدای سال تحصیلی گذشته ۲۰ عنوان کتاب که شامل چندین هزار جلد رمان با موضوع آموزش و تربیت بود برای آگاهی معلمان و والدین توزیع کردیم.
حجت‌الاسلام آذرنژاد با تأکید بر لزوم به‌روزرسانی امکانات آموزشی افزود: بخش دیگر آماده‌سازی، فضای مدرسه است که باید زیباسازی شوند. سال جاری ۱۰۰ کلاس درس در استان کهگیلویه و بویراحمد با رنگ‌آمیزی زیاسازی شد.

وی اشاره کرد: متأسفانه آموزش در ایران نسبت به دنیا از کیفیت خوبی برخوردار نیست و شیوه‌های آموزش به‌روز نیستند و همچنان رفتار حفظیات هستیم در حالی که دنیا به سمت یادگیری مهارت‌های آموزشی و شناخت کودک پرورش دانش‌آموزان پژوهشگر و خلاق پیش می‌رود تا کودک درصدد کسب اطلاعات باشد نه اینکه اطلاعات را در اختیارشان قرار دهیم. بنابراین نیازمند بازنگری در این حوزه هستیم. این جامعه‌شناس با اشاره به اینکه شیوه‌های پذیرش آموزگار در کشور ما ایراد دارد و با پذیرش

## خانواده

یک جامعه‌شناس و فعال فرهنگی مطرح کرد:

# بخشی از مدرسه ونظام آموزشی در خدمت شادی ونشاط دانش‌آموزان باشد

هر فرد غیر متخصص به‌عنوان معلم این موضوع تشدید می‌شود خاطرنشان کرد: معلم باید تحصیلات عالیه داشته باشد. سال جاری آموزش و پرورش اقدام به جذب معلم کرده و افراد پذیرفته‌شده هفته نخست مهر قرار است سر کلاس حاضر شوند در صورتی که آموزشی دریافت نکرده و معلوم نیست که آیا صلاحیت روانی، تحصیلی و... دارند یا خیر.

حجت‌الاسلام آذرنژاد گفت: مشکلی که با ساختار نظام آموزشی داریم این است که متأسفانه برای کودک و مسائل تربیتی او، آموزش و معلم اهمیت قائل نمی‌شویم.

وی اشاره کرد: به‌دلیل اینکه شیوه جذب معلم درست نیست افرادی معلم می‌شوند که کمتر دغدغه معلمی دارند درصورتی که اگر افراد دغدغه‌مند در این شغل حضور یابند از تعطیلات تابستان هم در جهت ارتقای آموزش خود استفاده کرده و علم خود را به‌روز می‌کنند. این فعال حوزه کودک در پاسخ به اینکه دانش‌آموزان برای حضور در مداس چگونه باید آماده شوند؟ گفت: بخشی از این آمادگی و پذیرفتن برای حضور در مدارس، به معلم بازمی‌گردد. با توجه به اینکه بچه‌ها ذاتاً پرتحرک و پرجنب و جوش هستند بنابراین معلمی که از دانش‌آموز می‌خواهد از ساعت ۷:۳۰ صبح تا ۱۲:۳۰ ظهر صرفاً یک شنونده باشد، باعث دلمردگی و ناشادی او شده و در نهایت او را از مدرسه و درس فراری می‌دهد.

حجت‌الاسلام آذرنژاد تصریح کرد: معلم باید بازی، نشاط و شادی را در فرایند آموزشی دخیل کند، در غیر این صورت دانش‌آموز علاقه‌ای به حضور در کلاس درس نخواهد داشت. اگر از دانش‌آموزان پایه سوم و چهارم ابتدایی سؤال شود چند درصد دوست دارند در کلاس و مدرسه حضور داشته باشند؟ به‌نظر من این آمار پایین خواهد بود؛ زیرا نظام آموزشی و مدارس همسو با ذات کودک و نوجوان و ویژگی‌های او که خواهان انجام بازی و شادی است، نیست. به گفته وی، برای آمادگی ورود دانش‌آموزان به مدارس علاوه بر اینکه معلم باید به سمت یادگیری مهارت‌های آموزشی و شناخت کودک برود نظام آموزشی نیز می‌تواند با الگویی از کشورهای پیشرفته مانند فلاند، استرالیا و ژاپن که دانش‌آموز هم‌زمان با ورود به مدرسه در آن محیط زندگی می‌کند و احساس نمی‌کند در حال آموزش است، پیش رود.

این جامعه‌شناس در پاسخ به این سؤال که نقش خانواده در این بین چیست؟ بیان کرد: در برخی موارد خانواده‌ها از معلم‌ها سخت‌گیرتر می‌شوند زیرا گاهی اوقات دانش‌آموزی که پنج ساعت در مدرسه درس می‌خواند نیازی ندارد در خانه نیز درس بخواند و فشار برای خواندن درس در خانه مخصوصاً در مقطع ابتدایی باعث می‌شود از مدرسه زده شوند و این روش خلاف اصول و ویژگی‌های کودک است که والدین باید در این خصوص آگاهی پیدا کنند. حجت‌الاسلام آذرنژاد اشاره کرد: به نظر من بزرگ‌ترین مسئله و مشکل کشور ما آموزش است البته نباید آن را به دانش‌آموزان تقلیل داد بلکه همه افراد در همه سنین و در همه مشاغل به آموزش نیاز دارند و لازم است پیوسته در حال یادگیری و آموزش باشند. به طور مثال، اگر دانش‌آموزی اختلال یادگیری دارد باید والدین و معلم بدانند که در امر آموزش چگونه با او همسو شوند. این امر با کسب آموزش امکان‌پذیر است.

وی تأکید کرد: آموزش دو بال دارد یکی والدین و دیگری معلم که همسو بودن این افراد به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا رشد بهتری داشته

و قلدری سعی می‌کنند مسئله را حل کنند؛ درحالی‌که مرز قلدری و جرأت‌ورزی باریک است و این‌گونه مداخله والدین نادرست است.

وی ادامه می‌دهد: والدین به‌جای مداخله مستقیم و قلدری باید کمک کنند تا دو کودکی که با یکدیگر به مشکل خوردند به شکل صحیح مشکلشان را حل کنند و به حقوق خود و حقوق طرف مقابلشان آگاه شوند.

این روان‌شناس کودک، یکی دیگر از رفتارهای مخرب در برخورد با کودکی که نمی‌تواند از خودش دفاع کند را برچسب زدن دانست و افزود: برخی والدین با برچسب خجالتی، بی‌عرضه، دست و پا چلفتی ... به کودکشان سعی می‌کنند دفاع از خود را به فرزندشان آموزش دهند درحالی‌که این برچسب‌ها نه‌تنها کمکی نمی‌کند بلکه می‌تواند به عزت‌نفس کودک آسیب بزند.

کیان ارشی تأکید می‌کند، والدین باید توجه داشته باشند که اگر کودکشان (جلب محبت خودش دفاع کند، باید آموزش ببیند و این آموزش‌ها حتماً باید توسط یک روان‌شناس اتفاق بیفتد چراکه روان‌شناس با کنترل متغیرهای اشتباه در محیط خانوادگی مثل اصلاح رفتار والدین کنترل‌گر و پرخاشگر و آموزش دفاع از خود به کودک در موقعیت‌های مختلف می‌تواند این مسئله را مدیریت کرده و به کودک آموزش دهد. وی در خصوص نحوه آموزش دفاع از خود توسط روان‌شناس می‌گوید: گاهی روزگوها نراس برای آموزش دفاع از خود به کودک از خود عروسک‌ها استفاده می‌کند تا به کودک یاد دهد که در موقعیت‌های مختلف چگونه حرف بزند، چگونه رفتار کند و به‌کاری انجام دهد. وی می‌گوید: گاهی لازم است که روان‌شناس برای ایجاد جرأت‌ورزی، عزت‌نفس فرد را تقویت کند چراکه لازمه جرأت ورزی، عزت‌نفس است. او با معرفی کتاب «افریق از روزگوها نراس» می‌گوید: «این کتاب، به کودکان آموزش داده که در موقعیت‌هایی که مورد قلدری قرار می‌گیرند، چه‌کارهایی باید انجام دهند و چگونه باید جرئت وز باشند.»

به عقیده این روان‌شناس کودک، جرأت‌ورزی یک مهارت است که می‌توان آموخت و به‌درستی از آن استفاده کرد: «برای آموزش جرأت‌ورزی به کودکان باید افکاری که باغ ترس و نگرانی در آن‌ها می‌شود را اصلاح کرد. همچنین برای جرئت ورزی بچه‌ها، باید بر روی مهارت‌های شناختی و رفتاری آن‌ها کار کرد و متغیرهای محیطی که باعث تشدید این مشکل می‌شود را شناسایی کرد.

**هدی سادات پاک‌نهاد**

## والدین در این مواقع به کودکشان تذکر دهند



نمی‌گردد و به کودک می‌گوید مسئولیت کار خود را به عهده بگیرد، یک مادر قدرتمند اجازه می‌دهد کودک طعم محکوم شدن را بچشد و اینگونه به او تذکر می‌دهد.

- وقتی کودک دروغ می‌گوید**

برخی کودکان خیلی بیشتر از بقیه دروغ می‌گویند. سعی کنید در این مواقع با فرزند خود به‌طور صریح رفتار کنید و بگویید که دروغ را در خانه خود نمی‌خواهید اما هرگز کاری نکنید که کودکان از شما بترسد و نگران عصبانیت شما باشد زیرا ممکن است سعی کند به هر قیمتی از گفتن حقیقت به شما جلوگیری کند. همچنین زمانی‌که کودک به‌طور صادقانه با شما صحبت می‌کند او را تشویق کنید و به او بازخورد مثبت بدهید.

- وقتی کودک قوانین خانه را نادیده می‌گیرد**

قوانین خوب خانوادگی برای بچه‌ها، رفتار کودکان را به روشی مثبت هدایت می‌کند. در شیوه قانون‌گذاری برای کودکان در خانه باید منعطف باشید و شرایط خانوادگی و وضعیت فعلی بچه‌ها را به خوبی بررسی کنید. یک مادر قدرتمند اجازه نمی‌دهد که کودک قوانین خانه را زیرپا بگذارد.

- وقتی کودک کارهایش را انجام نمی‌دهد**

یک مادر قدرتمند همیشه در خدمت فرزند خود نیست و اجازه می‌دهد فرزندش کارهایش را انجام دهد. برای داشتن یک کودک مسئولیت‌پذیر در ابتدا با مهربانی به فرزندتان کمک کنید تا کارهایش را انجام بدهد تا یاد بگیرد خودش به تنهایی از پی آن‌ها بریابد. اگر با مهربانی و خوشرویی به بچه‌ها کمک کنید، مسئولیت‌هایشان را زودتر یاد می‌گیرند.

سپهرغرب، گروه خانواده: تربیت و مراقبت

از فرزندان در زندگی یک امر بسیار مهم و حائز اهمیت است، به همین دلیل مادران باید در برخی از مواقع حتماً به کودک خود تذکر بدهند. مراقبت از فرزندان به مادری سالم و محکم از نظر جسمی و روحی نیاز دارد. مادر نخستین فرد مهم زندگی کودک محسوب می‌شود و او درس‌های ارزشمندی را از مادر خود می‌آموزد که برای آینده‌اش بسیار لازم و ضروری خواهد بود. مطمئن شوید مادر قوی و محکمی برای فرزندانتان هستید، زیرا مادر قلب خانواده و مهم‌ترین راهنمای کودک است. برای یک مادر قدرتمند بچه بسیار عزیز است اما قربیت او مهمتر است به همین خاطر یک مادر قدرتمند در مواقعی که در این بخش آورده‌ایم، به کودک تذکر می‌دهد.

- وقتی کودک در حال خبرچینی است**

گاهی کودک به دلایل گوناگون (جلب محبت و...) به خبرچینی روی می‌آورد، در این مواقع برخی والدین از این کار کودکانشان استقبال کرده و از او چیزهای زیادی می‌پرسند اما یک مادر قوی وقتی کودک خبرچینی می‌کند، به او نمی‌دندد و با او بد و خشن هم برخورد نمی‌کند بلکه جلوی کنجکاوی خود را نمی‌گیرد و به کودک می‌گوید: «(دیگر ادامه نده عزیزم) یا می‌گویی، «(من دانستم اما کاش رازهای دوستت را به من نمی‌گفتی)»، «چه خوب که تو فقط این بار این راز را به من گفتی و اغلب راز (داری) و...»

- وقتی کودک توقعات نابجا دارد**

فرزندان ما ممکن است خواسته‌هایی داشته باشند که برآورده کردن آن‌ها به صلاح نباشد. اگر مدام همه خواسته‌های کودک بدون کوچک‌ترین مانهی برآورده شوند، او دیگر هیچ تلاشی برای بهبود شرایط انجام نمی‌دهد و به دنبال پیشرفت نخواهد بود. یک مادر قدرتمند بیش از حد به کودک قدرت نمی‌دهد و اجازه نمی‌دهد که در خانه فرزند سالاری حاکم باشد، او توقعات نابجای کودک را برآورده نمی‌کند.

- وقتی کودک مقصر است**

برخی والدین حتی وقتی کودکشان مقصر است، هرگز مسئولیت هیچ مشکلی را برعهده نمی‌گیرند و دائماً دیگران را مقصر شمرده تا کودک خود را تبرئه کنند. مادر قدرتمند همیشه به‌دنبال امن کردن مسیر کودک نیست و اگر کودکش در دعوا یا... مقصر است، دنبال مقصر